جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

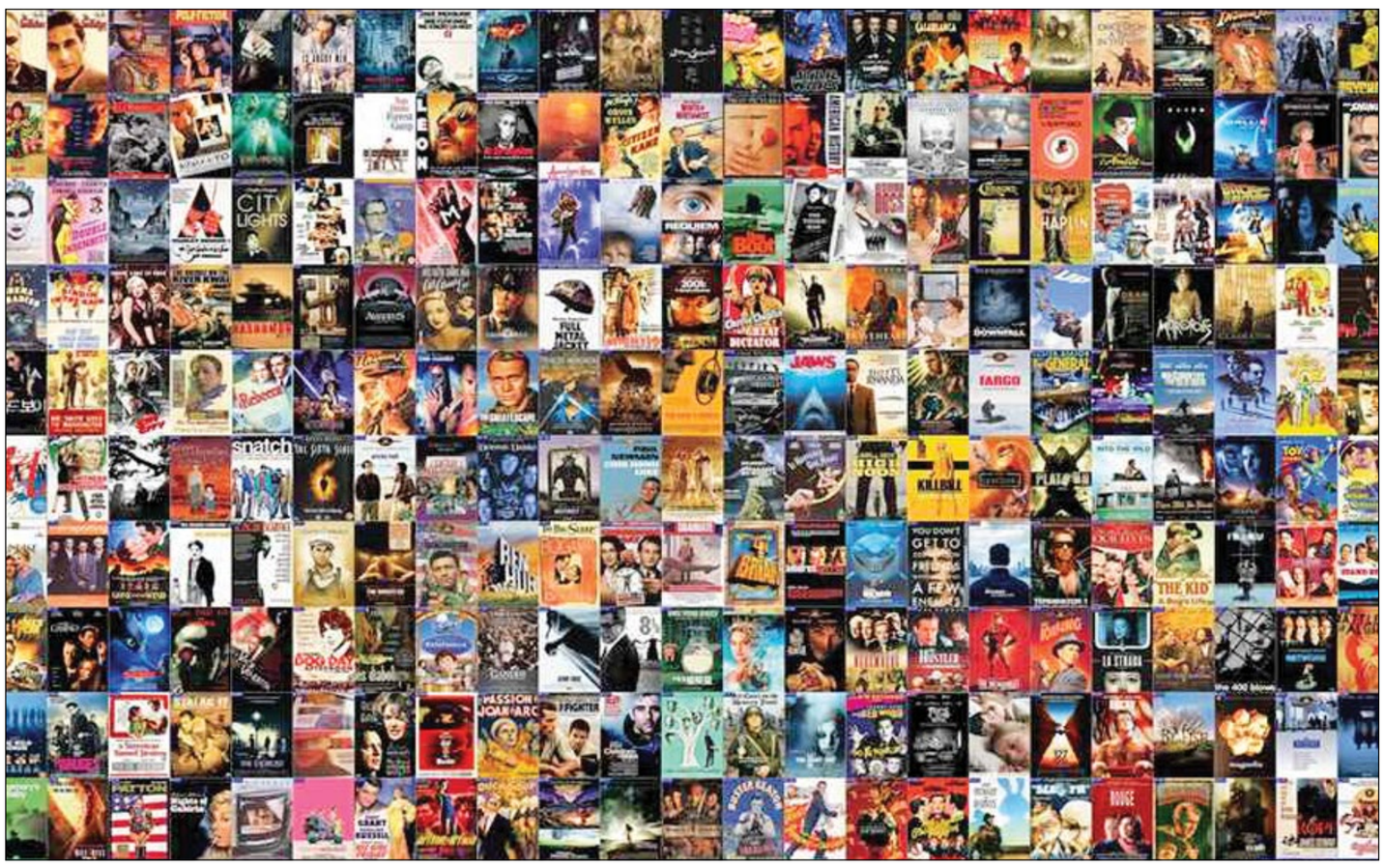

در باب شبکه‌های غیر رسمی خانگی

اصلا کسی حواسش هست؟!

سعید مستغاثی

مدت‌هاست موضوع شبکه‌های رسمی نمایش خانگی به خصوص سکوها و یا پلتفرم‌های مختلف اعـم از فیلیمو و فیلم نـت و نماآوا و... بحث داغ محافل فرهنگی اسـت و به خصوص رسانه‌های مختلف به ویژه از نوع هنری و سینمایی بسیار به آن پرداخته و می‌پردازند.

غالبا هم بحث‌های درستی مطرح می‌شود از قبیل اینکه مانند سـایر مجاری فرهنگی و هنری کشـور بایسـتی نظـارت دقیق و شایسته‌ای بر این پلتفرم‌ها انجام گیرد، باید این شبکه‌ها که به دلیل رسمیت و دارا بودن مجوزهـای لازم از متولیان امـور فرهنگی کشور، مورد اعتماد و اطمینان خانواده‌ها قرار گرفته‌اند، فضـای امنی برای این کانون‌های اصلی رشـد جامعه باشند، بایستی کودکان ما به عنوان بخشی از مخاطبان این شبکه‌ها، از طریـق آنها به نوعی مسـیرهای اخلاقی و رفتاری سـبک زندگی ایرانی/اسـلامی را تجربه کنند.

نگرانی و دغدغه آن دسـته از کارشناسـان و دلسـوزان و خیرخواهان جامعـه و همچنین رسانه‌های همسوی آنها، کاملا قابل درک، منطقی، مشروع و قانونی است. قطعا بایستی به جد توسط متولیان فرهنگی و نمایندگان مردم و حتی ائمه جمعه و جماعت پیگیری شود که خدای ناکرده در آینده شاهد برخی زخم‌های ناشی از عملکرد نادرست این شـبکه‌های رسمی خانگی بر پیکر نسل آینده نباشیم.

یک شبکه عظیم غیر رسمی

اما در کنار این پلتفرم‌ها و شـبکه رسـمی نمایش خانگی که نظارت دقیق و پیوسـته برآن مطالبه شـده و می‌شـود، یک شبکه عظیم غیر رسـمی نمایش خانگی وجود دارد که گویا اصلا کسی حواسش به آن نیست! احتمالا یا از ابعاد و گستره تاثیر فوق تصور ما، همه بی‌خبر هستند و یا آن‌قدر مشغول همان شبکه رسمی شده‌اند که از بیخ و بن چنین شـبکه بزرگی را به فراموشی سپرده‌اند. شاید هم هنوز فکر می‌کنند این شبکه غیر رسـمی همان افرادی هستند که سال‌های پیش، نوارهای ویدئویـی فیلم‌های روز جهان را با کیفیت‌های نه چندان مطلوب و به زبان اصلی، درب خانه‌ها و منازل می‌آوردند و به صورت هفتگی کرایه می‌دادند!!

امـا باید ایـن واقعیت را برای آن دسـته از دوسـتانی که بر این توهم باقی مانده‌اند که آن شـبکه غیر رسـمی خیلی محدود و در حد یک سـری از جوانان پیگیر فیلم‌های روز جهان باقی مانده توضیح داد که:

شبکه غیر رسمی یاد شده اینک دیگر مانند سابق قاچاق تلقی نمی‌شود، بسیاری از آنها جمله «این سـایت تابع قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌باشد» را در بالای صفحه اول وب سایت‌های خود قرار داده‌اند.

بسـیاری از آنها در کنار فیلم‌هایی که برای دانلود در صفحه قرار داده‌اند، نوشـته‌اند: «نسخه سانسور شده» و در واقع صحنه‌های غیر اخلاقی صریح یعنی روابط جنسی و برهنگی بیش از حد را حذف کرده‌اند.

بسـیاری از این وب سـایت‌های غیر رسمی نمایش خانگی با دامنه ir فعالیت می‌کنند.

بسیاری از این شبکه‌ها که حتی با دامنه com یا net و یا سایر دامنه‌های خارجی فعالیت دارند، فیلتر نیستند و به راحتی قابل دسترسی هستند.

اما این شبکه‌های غیر رسمی نمایش خانگی که بالغ بر صدها پلتفرم یا سکو را در بر می‌گیرند، هر کدام با دسته‌بندی‌های متنوع بر حسب سال تولید، نوع و ژانر فیلم، بازیگر یا کارگردان، کیفیت و کلکسیون‌های مختلف و... فیلم‌ها و سریال‌های خود را ارائه نموده و در هر دسـته‌بندی بعضا تا ۷۰۰۰ عنوان فیلم و سریال را برای دانلود عرضه کرده‌اند. یعنی در مجموعه هر کدام دهها و صدها هزار عنوان محصولات تصویری ارائه کرده‌اند.

اغلـب این فیلم‌ها و سـریال‌ها، با زیر نویس فارسـی و بسیاری از پربیننده‌های آنها با بهترین دوبله‌ها توسـط گوینده‌های حرفه‌ای به فارسی دوبله شده‌اند.

کاملا مجانی و رایگان

اگر در شبکه‌های رسمی نمایش خانگی برای تماشـا و یا دانلود بایستی مبالغی پرداخت شود و حتی برخی از این پلتفرم‌های رسـمی،Player یا نمایش دهنده خاص خـود را دارند که با این محدودیت، خـارج از آن نمی‌توان فیلم را دانلود کرد و نمایش داد اما در شـبکه‌های غیر رسمی یاد شده، بدون پرداخت هیچ‌گونه وجهی می‌توان فیلم‌ها و سریال‌های قدیمی و جدید را با بهترین کیفیت‌ها، دانلود کرد و روی هر نمایش دهنده یا Player تماشا کرد.

اگر در پلتفرم‌های رسمی نمایش خانگی بنا به قوانین رسـمی و ضوابط کپی رایت، هر فیلمی قابل نمایش نیست اما در شبکه‌های غیر رسمی فوق‌الذکر به اصطلاح از شیر مرغ تا جان آدمیزاد یافت می‌شود؛ از فیلم‌ها و سریال‌های قدیمی و خیلی قدیمی تا جدید و خیلی جدید که به اصطلاح تازه از تنور درآمده یعنی حتی در برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی اکران نشده و یا به تازگی نمایش عمومی داشته است.

امـا در این پلتفرم‌های غیر رسـمی نمایش خانگی که بسیاری خود را تابع قوانین جمهوری اسـلامی ایران معرفی کرده و بسیاری با دامنه ir فعالیت می‌کنند و خیلی‌ها اساسا با هیچ‌گونه فیلتر اینترنتی مواجه نمی‌شوند، انواع و اقسام بدآموزی‌ها و بد رفتاری‌ها و بداخلاقی‌ها و سبک‌های زندگی بی‌بنـد و بارانه و ارتباطات نامشـروع و تبلیغات صهیونی و ضد اسـلامی و شرک و نژادپرستی و مشروب خوری و روابط جنسی و همجنس‌گرایی و.... وجود داشته و در داستان‌ها و ماجراها تنیده شده است.

یعنی اگر دوستان دغدغه مند به دنبال سایه‌ای از این کج رفتاری‌ها و بداخلاقی‌ها در سریال‌ها و فیلم‌های شبکه رسمی نمایش خانگی جست‌وجو می‌کنند و آن را مورد دقت قرار می‌دهند که کاملا درسـت و قابل تمجید و تحسین است، اما در آن شبکه‌های غیر رسمی ولی مجاز، اقیانوسی از آن موارد منفی و رفتارهای غیر اخلاقی و سبک زندگی ضد اسـلامی و ضدایرانی وجود دارد اما دریغا که کسی حساسیت به خرج نمی‌دهد!

مخاطبان کدام شبکه بیشترند؟

بعضا این نکته تکرار می‌شود که اولا مخاطبان آن شبکه‌های غیر رسمی به‌اندازه این شبکه‌های رسمی نیست و ثانیا باید این پلتفرم‌های رسمی جای امن بـرای خانواده‌ها باشـد، بی‌خیال آن پلتفرم‌های غیر رسمی!!

اما برای مخاطب سـنجی این شـبکه‌های رسمی و آن شـبکه‌های غیر رسمی کافی است کمی سـرتان را بـالا آورده و در میان جوانان و نوجوانان جامعه، در مدارس و دانشگاه‌ها، در کوچه و خیابان خودتان و حتی در میان خویشاوندان و در منزل‌تان جست‌وجو کنید. خیلی غیر رسمی آماری بگیرید، بپرسید که آیا فی المثل بینندگان مجموعه «بازی‌های ماهی مرکب» بیشتر بوده یا «رهایـم کن»؟! در حال حاضر برای فصل جدید این سـریال کره‌ای روزشماری می‌کنند یا فرضا برای فصل بعدی سریال «زخم کاری»؟! جوانانی که در انتظار اکران «اسپایدرمن» جدید بودند تا چه‌اندازه برای دیدن مثلا سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» سـر و دست می‌شکنند و حتی سریال «آکتور» را می‌بینند؟

می‌گوینـد اینها جوانان و نوجوانان هسـتند (خدای ناکرده نگویند که کاری به آنها نداریم یا نمی‌شـود با آنها کاری داشت!!) با خانواده‌ها کار داریم و می‌خواهیم فضای امن در میان خانواده‌ها ایجاد کنیم! خیلی خب، قبول! باز یک پرسـش ساده دیگر در میان دوست و آشنا؛ آیا مثلا سریال «آخرین ما» The Last of Us را خانواده‌ها بیشـتر دیده‌اند یا مثلا سریال «سقوط» را؟ آیا بینندگان انواع و اقسام سریال‌های کره‌ای بیشتر هستند یا مثلا سریال «قهوه ترک»؟!!

اصلا چـرا راه دور برویم؟ مگر فیلم «برادران لیلا» بـا همه نقاط ضعف و موضوع سـخیف و بدآموزی‌هـای غیر اخلاقی‌اش، در شـبکه‌های رسـمی نمایش خانگی ارائه شـد که مخاطبش از همه فیلم‌ها و سـریال‌های به اصطلاح رسمی مجاز بیشتر بود؟!

یک جوی باریک
در مقابل رودخانه‌ای خروشان

متاسـفانه دغدغه‌مندان و دلسـوزان انقلاب خصوصا در عرصه رسانه‌های فرهنگی، آن شبکه عظیم غیر رسمی نمایش خانگی را کاملا رها کرده و همه همّ و غم خود را صرف اصلاح این شـبکه رسـمی نمایش خانگی کرده‌اند که در مقابل آن شبکه مثل جوی باریک آبی در مقابل رودخانه‌ای بزرگ و خروشان اسـت. و هر دوی اینها به یک دریای انسـانی در این جامعـه می‌ریزند. اما این کجا و آن کجا؟

ضمن اینکه بسیاری از ساز و کارهای این شبکه عظیم نمایش خانگی و پلتفرم‌های آن نامشخص است. مثلا اینکه وقتی برای ترجمه یک صفحه A۴ بایسـتی پـول قابل توجهی بپردازیم، اما در این شـبکه‌ها، هزاران فیلم و سریال در طول ماه ترجمه شده و با دسته‌بندی و دقت به عنوان زیر نویس فیلم‌ها و سریال‌ها قرار داده می‌شـود! که بسـیاری از آنها حتی متن اصلی دیالوگ‌ها را نداشته و مترجمین با سختی بیشتر از طریق شنیدن، دیالوگ‌ها را ترجمه می‌نمایند.

صدا فیلم و سریال از میان آثار این شبکه‌ها که بیننده و مخاطب بیشـتری داشته، با بهترین گویندگان، دوبله شده و عرضه می‌شوند.

پیـش از ایـن و در دوران تهیـه فیلم و سـریال‌هایی که در شبکه‌های مختلف عرضه غیر رسـمی و غیر مجاز توزیع می‌شد، به هر حال بایسـتی هزینه‌ای بابت کرایه و یا خرید نوارهای ویدئو پرداخـت می‌گردید. امروز هم بابت دانلود یا خرید فیلم و سریال از پلتفرم‌های رسمی نمایش خانگی، پول دریافت می‌شود اما در این شـبکه‌های غیر رسمی، می‌توان به هر تعداد فیلم و سـریال دانلود نمود و تماشا کرد اما ریالی پرداخت نکرد!

پس هزینه ترجمـه و زیرنویس و دوبله و صداگذاری این حجم عظیم از فیلم و سریالی که عرضه می‌شود، از چه راهی و از کجا تامین می‌شود؟ چه کسانی، سازمان یا موسسه‌ای در داخـل یا خارج کشـور، هزینه تهیه و ترجمه و زیرنویـس و دوبلـه و توزیع ایـن فیلم‌ها و سریال‌ها را تامین می‌کند؟ آیا از طریق همان چند آگهی محدود که در گوشه صفحه برخی از این شبکه‌ها به چشـم می‌خورند که اغلب هم مربوط به خود مدیران آن صفحه یا شبکه و پلتفرم اسـت؟ و عجیب اینکه برخی از این پلتفرم‌ها و شـبکه‌ها اصـلا همان چند آگهی محدود را هم ندارند!!

به نظرم فراتر از آن موضوع شـبکه رسمی نمایش خانگـی و نظارت برآن و رعایت قوانین و ضوابـط کـه امروزه در هر رسـانه مکتوب و غیر مکتوب دلسوزان انقلاب و جامعه به چشم می‌خورد، بد نیست این دوستان گوشه چشمی هم به آن شبکه عظیم غیر رسمی داشته باشند که امروزه مخاطبانش خصوصا در میان جوانان و نوجوانان بسـیار بسیار بسـیار بیشتر از این پلتفرم‌های محدود رسمی است.

رسول شمالی ورزنده

سینما، تلویزیون و الگوسازی هنرمندانه یاد شهدا

یکی از مواردی که پس از انقلاب اسـلامی در آثار هنرمندان و بخصوص در سینما کمتر به آن پرداخته شده و شاید هم به نوعی تاکنون مغفول مانده است موضوع زنده نگه داشتن هنرمندانه یاد و خاطره شهدا در آثار سینمایی، تلویزیونی، تئاتر و آثار نمایشی است که آن‌طور که شایسته خانواده‌های شهدا باشد نبوده و نیست؛ می‌طلبد متولیان امر به‌ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین سازمان صداوسیما در این خصوص به‌طور جد وارد شوند و هنرمندان را به این امر ترویج و تشویق کنند.

رهبرمعظم انقلاب اسلامی هم در سخنرانی اخیرشان در حضور خانواده‌های شهدا به همین امر اشاره کردند و اصحاب رسانه و هنرمندان همه رشته‌ها را به ترویج هنرمندانه و جذاب یاد و خاطرات شهیدان فراخواندند. با فرمایشات مقام معظم رهبری تکلیف بر همه هنرمندان و سازندگان فیلم روشن است. بنابراین می‌طلبد که روایت‌های ناگفته شهدا با زبان هنر برای نسل جدید و جوان‌هایی که دوران دفاع مقدس و روزهای بحرانی و سخت مبارزه با استکبار، منافقین و دشـمنان انقلاب اسلامی را ندیده و درک نکرده‌اند روایت شود و در این مسیر هنرمندان و تهیه کنندگان آثار هنری تلاش کنند تا با تولید فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی فضای آن دوران و شهدا را برای جوانان ما تبیین کنند. بنابراین نقش سینما، تلویزیون و همچنین سایر بخش‌های هنری در ترویج هنرمندانه یاد و خاطره شهدا می‌تواند بسیار پررنگ و موثر باشد.

سـینمای ایران علی رغم اینکه در این مدت با تولید برخی از فیلم‌ها در ارتباط با دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی توانسته گوشه‌هایی از جان فشانی‌ها و فداکاری‌های رزمندگان اسلام و شهدا را به تصویر بکشد اما تعداد آثاری که به فیلم سـینمایی تبدیل شده‌اند بسیاراندک است و بیشتر آثار هم در همان سال‌های جریان جنگ تولید شده و در سال‌های پس از جنگ دیگر شاهد چنین آثاری نبودیم و اگر هم بوده ناچیز بوده است. درواقع سینما در این بخش یک سـکوت و سکون هنری را دنبال نموده است که به هیچ وجه شایسته نبوده و نیست. البته تعداداندکی از فیلمسازان متعهد و انقلابی سینما اگرچه مبادرت به سـاخت آثاری درخصوص روایت زندگی شهدا کرده‌اند اما تعداد فیلم‌ها در این زمینه در سال‌های اخیر هم بسیار کم بوده است.

در خصوص ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی در رابطه با شهدا، سوژه‌ها و موضوعات بسیار زیادی هست که می‌تواند تبدیل به فیلم سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی فاخر شـود و با زبان هنر برای مردم بخصوص نسـل جوان امروز به نمایش دربیاید. بنابراین امروز مسـیر بسیار روشنی پیش روی فیلم سازان و تهیه‌کنندگان سـینمایی و تلویزیونی اسـت تا بتوانند به سـراغ موضوعات و روایت‌های شـنیدنی و دیدنی از ایثارگری‌های شـهدای دوران دفاع مقدس و سایر شهدا بروند و آنها را به تصویر بکشند. بسیاری از ناگفته‌های دوران جنگ تحمیلی امروز در کتاب خاطرات رزمندگان و فرماندهان جنگ و پیشکسوتان دفاع مقدس به رشته تحریر درآمده است که بازگویی و روایت آنها با زبان هنر و تصویر می‌تواند جذابیت‌های زیادی را به همراه داشته باشد.

حقایق هشـت سـاله دوران دفاع مقدس و روایت زندگـی خانوادگی و اجتماعی شهدا در کنار زندگی مبارزاتی شان و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، خود قصه‌های ناگفته‌ای اسـت که تاکنون روایت نشده و می‌تواند درس بزرگی برای نسل جوان امروز باشد.سینما و تلویزیون با تاثیر فراوانی که در جامعه دارند می‌توانند در این زمینه تلاش گسـترده‌ای را انجام دهند و به نوعی وارد این عرصه شوند.

بنابراین بایسـتی بسـترهای لازم برای این کار از سوی وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی و سازمان صداوسیما فراهم شـود و در این مسیر یک بسیج هنری راه‌اندازی شود و سوژه‌های بکر و روایت‌های ناب دوران دفاع مقدس برای تبدیل‌شدن به فیلمنامه در اختیار کارشناسان و خبرگان امر قرار گیرد، به هرحال ساخت آثار هنرمندانه از روایت‌های ناگفته شهدا بایستی در یک مسیر روشن جریان پیدا کند و سـازمان و یا مرکزی برای این امر تعیین شود و راهکارهای لازم معین شود. نیاز هست که هنرمندان و اصحاب رسانه هم به‌طور جدی در این عرصه وارد شوند و با مطالعه و تحقیق روایت‌ها و زندگی شهدا، سوژه‌ها را برای فیلمنامه آماده کنند، خیلی از اتفاقات و حوادث دوران دفاع مقدس هنوز روایت نشده و مسکوت مانده است.

نسـل جوان امروز از بسیاری از واقعیت‌های جنگ تحمیلی با خبر نیست و لازم اسـت اتفاقات مهمی که در دوران دفاع مقدس بوقوع پیوسته و موجب پیروزی‌های درخشان رزمندگان اسلام در عملیات‌های مختلف در جبهه‌های نبرد شده است به‌گونه‌ای هنرمندانه برای مردم به تصویر کشیده شود.

بسـیاری از ناگفته‌های جذاب از جنگ تحمیلی هنوز به فیلمنامه تبدیل نشده که نیاز هست نویسندگان در این خصوص همت کنند و قصه‌های جنگ را که درواقع واقعیت‌های دوران دفاع مقدس هسـتند را گردآوری کنند تا به فیلم تبدیل شـود. بسیاری از این قصه‌ها نزد فرماندهان و پیشکسوتان دوران دفاع مقدس به یادگار مانده است که نیاز به تدوین و نگارش دارد و می‌طلبد که نویسنده‌ها و فیلمنامه‌نویسان با بررسی آنها برای تولید آثار هنری اقدام کنند، همچنین دسـت نوشته‌ها، خاطره نویسـی و دل نوشته‌های به یادگار مانده از شهدا از وقایع روزهای جنگ یکی از برجستگی‌های اتفاقات دوران دفاع مقدس است که می‌تواند دست مایه خوبی برای ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی در این عرصه باشـد و یقینا همین نکات و خاطرات شـهدا می‌تواند به تولید آثار هنری از جنگ کمک کند.

امروز الگو گرفتن از شـهدا و زندگی آنها باید سرمشـق زندگی همه ما بخصوص جوانان کشور ما باشد. پرداختن به روایت شهدا آن هم با زبان سینما و تلویزیون می‌تواند تاثیر فراوانی در تحکیم ارزش‌های دینی و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته باشد بنابراین امروز همه هنرمندان بخصوص سینماگران و اصحاب هنر و رسانه وظیفه سنگینی در قبال شهدا و خانواده‌های شهدا دارند چراکه همه ما مدیون فداکاری‌ها و ایثارگری‌های آنها هستیم و بایستی که در بخش‌های هنری کشـور به‌طور ملموس به آنها بپردازیم باید فیلمسازان جوان و متعهد ما آستین‌ها را بالا بزنند و وارد عرصه هنر اصیل انقلاب اسلامی‌شوند، امروز برای رسانه‌ای کردن روایت‌های جنگ و ناگفته‌هایی از روایت حضور شهدا در دوران دفـاع مقـدس در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل نیاز به هنرآفرینی است، فیلمسازان و تهیه کنندگان سینما و تلویزیون امروز وظیفه‌ای بس دشوار را برعهده‌دارند و لازم است که به نقل این روایت‌ها بپردازند.

سال‌ها از جنگ تحمیلی می‌گذرد اما هنوز نتوانسته ایم آثار برجسته‌ای را در این زمینه و روایت شهدا خلق کنیم و در واقع الان باید با یک شتاب منطقی و درست در این مسیر حرکت کنیم. موضوعات زیادی از مسائل جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس بر زمین مانده است که می‌تواند فیلمنامه‌های بسیار خوبی برای تولید آثار هنری در سینما و تلویزیون باشد. بنابراین بایستی با یک جهاد هنری و بسیج سینمایی وارد این عرصه شویم بسیاری از تهیه کنندگان سینما و تلویزیون آمادگی تولید آثار سینمایی و تلویزیونی درخصوص شهدا را دارند و باید در این مسیر حمایت شوند که اگر این حمایت و پشتیبانی صورت گیرد یقینا در آینده شاهد آثار درخشان در ژانر دفاع مقدس، انقلاب اسلامی و شهدا خواهیم بود که امیدواریم این مهم هرچه زودتر تحقق پیدا کند و سازندگان و تهیه کنندگان آثار تولیدی با موضوع شهدا این فرصت و موقعیت را پیدا کنند و بتوانند بدون دغدغه و مشـکل به ساخت این نوع آثار بپردازند، از طرفی هم یقینا بایسـتی مسائل جنگ تحمیلی ما و دوران دفاع مقدس بازتاب رسانه‌ای در سطح جهان پیدا کند و لذا لازم است که روایت‌های ناگفته جنگ تحمیلی که بسیاری از واقعیت‌های دوران دفاع مقدس و جنگ را برای جهانیان روشن خواهد کرد با زبان هنر و تصویر به مردم دنیا تبیین شود.

به هرحال همه ما امروز در قبال شهدا و خانواده‌های آنها متعهد هستیم و وظیفه سنگینی بردوش تک تک ماهست و بایستی در بخش هنر و رسانه که یقینا یکی از بخش‌های مهم و تاثیرگذار شـناخت ارزش‌های بزرگ شهداست پرتلاش ظاهر شویم و هنرمندان ما هم عاشقانه در این مسیر گام بردارند که امروز هرچه که داریم از قهرمانی‌ها، ایثارگری‌ها، جان فشانی‌ها و اعتقادات شهدای ماست و این افتخاری بزرگ برای ما ایرانی‌هاست وامیدواریم که این روایت‌های رسانه‌ای شهدا در سینما و تلویزیون با بازتاب جهانی به مردم دنیا عرضه شود.

نگاهی به فیلم «کت چرمی»

کپی کاری از یک فیلم بازنده

محمد قمی

فیلم «کت چرمی» اولین فیلم حسین میرزامحمدی است. این فیلم برای نخستین بار در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و از آثار بحث‌برانگیز جشـنواره بود که این روزها روی پرده سینماهای کشور رفته است.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: عیسی فرهمند(جواد عزتی)، بازرس سازمان بهزیستی است که در حین بررسی تخلفات مالی یکی از مراکز، متوجه یک باند فساد اقتصادی و ترانزیت مواد مخدر توسط دختران بدسرپرست می‌شود. با این حال فیلم «کت چرمی» از فیلمنامه درست و درمان محروم است و نقش‌آفرینی بازیگران نیز نمره بالایی نمی‌گیرد. طوری که می‌توان گفت نه روایت و فضاسـازی پلیسی فیلم محسوس و استاندارد به نظر می‌رسـد، نه قهرمان‌پردازی و نه مناسبات مافیایی. شخصیت محوری یا همان قهرمان فیلم، ملموس و باورپذیر نیست و به طور کلی بازیگران فیلم، حسی را در مخاطب ایجاد نمی‌کنند.

فکـرش را بکنید! فیلمی بخواهد کپی یک فیلم بی‌ارزش دیگر مثل «مـرد بازنده» باشـد که خود آن فیلم، کپی دسـت چندم آثار جعلی دیگران است!

دوستان عزیز فیلمساز! آخر حتی کپی کاری و از روی دست دیگران فیلم ساختن و اساسا فیلم ساختن یک سری کاربلدی‌ها و توانمندی‌ها لازم دارد کـه شـما ندارید. آخر این چه جور فیلمنامه‌ای اسـت که از عهده ابتدایی‌ترین توقعاتی که از متن فیلمنامه یک اثر سینمایی داریم برنمی‌آید؟! چرا شـخصیت‌های- شـخصیت؟ کدام شخصیت؟!- فیلم شـما نه رمق دارند، نه معنا می‌دهند، نه داستان را درست جلو می‌برند، نه درسـت راه می‌روند، نه حسـی بر می‌انگیزند، نه دلی می‌لرزانند، نه حتی همین دیالوگ‌های مفتضحشـان را درست ادا می‌کنند، نه حال و حوصله درسـت بازی کردن دارند، نه درست بازی کردن را بلد هستند، نه کارگردانی- کارگردانی؟!- می‌شوند، نه نقطه گره و عطف و گشایش و اکت و حس و نگاه و اوج و فهم و تعلیق و هیچ چیز دیگری را به درستی دارند و می‌فهمند و اجرا می‌کنند و نه... تنها و تنها مشتی آدمک، جلوی دوربین، به دمده‌ترین شکل ممکن، چیزهایی می‌گویند و کارهایی می‌کنند تا همگی بتوانند از دور این سفره‌ای که پهن شده‌اند لقمه‌ای بفرمایند و در نهایت هم گور پدر مخاطب بدبخت؟!

آخر این چه طرز فیلم‌سازی است دوست عزیز؟! واقعا ارزشش را دارد؟! چرا فیلمنامه شما این‌قدر مغلوط و سطحی و آبکی و دمده و مزخرف است؟ چقدر وقت صرف تحقیق و نوشتنش کرده‌اید؟ چرا درست شخصیت‌پردازی نکرده‌اید؟ چرا داستان شما ایرادهای متنی و مبنایی فاحش دارد؟

آن شـخصیت شبه قهرمان- با بازی تکراری جواد عزتی- بر مبنای کدام متد شخصیت‌پردازانه‌ای آفریده شده؟ چرا مسیری را که طی می‌کند هیچ‌کدام از مولفه‌های کلاسـیک، مدرن و حتی پست مدرن قاعده‌های روایت پردازی سینمایی را ندارد؟ چرا این‌قدر بی‌طعم و بی‌حس و حال است؟ چرا هیچ کنکاش، اکت، مواجهه، تعلیق، رویکرد خلاقانه، گره‌افکنی درست، نقطه عطف و اوج استاندارد، و در نهایت، هیچ دستاورد دراماتیکی ندارد این شخصیت؟

کاشتن آن شـخصیت زن معتاد انصافا چیزی جز در حد آکسسوار صحنه برای عرض‌اندام و بزک صحنه و کش دادن پر رنگ و لعاب فیلم است؟ کارکردی جز این دارد؟

اصلا قصه و حرف فیلم شـما چیسـت؟ اگر ادا و اطوارهای مد روز پلورالیسـتی و مدرن بازی‌های مهوع کارنابلدهای آماتور بی‌هنر را کنار بگذاریم و قصد تکرار ادعاها و توجیه‌های آنها را نداشـته باشـیم، فیلم شـما کدام مسیر منطقی و دراماتیک قابل فهم و حس‌آمیز را به تصویر می‌کشد و ادامه می‌دهد؟

فیلم شما ملغمه‌ای از کپی کاری‌های ناشیانه و بی‌حال و حوصله است که حتی رمق ندارد یک سکانس- تأکید می‌کنم «یک سکانس»- درست و قابل دفاع و جذاب سینمایی بیافرینند!

و حالا آیا به نگارنده حق نمی‌دهید که با صراحت بگوید بسیار باعث تأسف و تأثر است که در چنین دوران و اوضاعی با پول فارابی که قاعدتا متعلق به بیت‌المال و مال مردم رنج کشیده و طاقت‌سوخته ایران است و نه ارث پدری حضرات باشرفی که آنجا مسئول و مدیر و فلان و بهمان‌اند، فیلمی باید ساخته شود به نام «کت چرمی» که مایه روانپریشی مخاطبی می‌شود که اشتباه کند و پای دیدن چنین چیزی بنشیند.